



اشعریان قم

(علی کوشا)

دکتر علی نقی منزوی

مجله چستا، سال چهارم، شماره دهم، خرداد ۱۳۶۶، شماره ردیف ۴۰، برگه ۷۵۴ - ۷۵۶

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

ریزگفتار

۱	اشعریان قم
۱	[مقدمه]
۱	اشعریان
۴	اخراج دسته‌جمعی غلات از قم
۶	کتاب‌نامه
۶	نمایه کتاب و مقاله

دکتر علی نقی
میسرزوی

اشعریان قم

مجله چیستا، سال چهارم، شماره دهم، خرداد ۱۳۶۶، شماره ردیف ۴۰، برگه ۷۵۴ - ۷۵۶

[مقدمه]

در چهار قرن نخستین اسلام، اشعریان، که اقطاع داران بزرگ قم بودند و حکومت آن را در دست می داشتند، به علت مخالفت با حکومت خلیفگان از یک سو و مبارزه با غلات و گنوسیست‌های تند ایرانی از سوی دیگر، در شکل دادن به مذهب تشیع کنونی در ایران سهمی مهم ایفا کرده‌اند.

اشعریان

قبیله اشعری یکی از قبیله‌های جنوب شبه جزیره عربستان بود که افرادش خود را به جد افسانه‌ای خود اشعری^۱ سبا بن یشجب بن یعرب بن قحطان منسوب می کردند. ایشان در فتوحات عمر در ایران شرکت جسته به فرماندهی رییس قبیله، ابوموسی اشعری به سال (۲۳ق / ۶۴۳م) اصفهان را گشودند. پس ابوموسی پسر عموی خود مالک را فرستاد و او ساوه و تقرود^۲ را بگشود^۳.

از این تاریخ بخشی اندک از قبیله فاتح در نواحی قم فرود آمدند. بخشی دیگر از ایشان نیز در کوفه فرود آمده بودند. اکثریت افراد این قبیله برخلاف رئیس شان ابوموسی که به سبب پیری و گنگی در روز داوری صفین فریب عمرو عاص را خورده علیه علی (ع) رای داد، و شاید روی همین عقده روانی همواره [اشعریان] طرفدار بنی هاشم و ضد بنی امیه می بودند که جدشان را فریب داده بودند. در قیام اشعث بر ضد حجاج در (۸۲ق / ۷۰۱م) و قیام زید ابن علی بر ضد یوسف بن عمر والی هشام در

^۱ هنگام زاده شدن، همه تن او مو داشته است (اللباب فی تهذیب الأنساب ابن اثیر، مصر، ۱۳۵۷ق، ج ۱، برگه ۱۵).

^۲ طغرود: قصبه مرکز دهستان طغرود بخش دستجرد خلجستان شهرستان قم در ۳۳۰۰۰ گزی شمال خاور دستجرد. کوهستانی و سردسیر است (دهخدا از فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۱).

^۳ نک: تاریخ طبری؛ کامل ابن اثیر؛ تاریخ قم.

(۱۲۲ق / ۷۴۰م) این قبیله در کوفه به قیام‌کنندگان پیوست و با شکست این قیام‌ها، گروه‌هایی از قبیله اشعری در بدر شده به خویشاوندان خود در قم پیوسته و بر قدرت این قبیله در قم افزودند.

یاقوت در واژه قم گوید: پس از گریختن اشعث به کابل، یاران اشعری او به قم آمده بر هفت دیه که یکی از آن‌ها کمندان بود، یورش برده، مردمش را کشتند، زندگی ایشان را گرفتند. یکی از ایشان امامی بود و او همه مردم را بدین مذهب آورد که اکنون یک سنی در قم یافت نشود.^۱

فشار خلیفگان بنی امیه و سپس بنی عباس بر اشعریان قم، هر چند که برای دریافت باج و خراج بود، ایشان را به موالی ایرانی خود و بومیان محل نزدیک کرده بود، به طوری که با توده‌های بومی، زردشتی در آمیخته بودند. این دوستی‌ها سبب شد که از یک سو اندیشه‌ها و جهان‌بینی گنوسیستی اسلامی ایرانی به وسیله زردشتیانی دانشمند که نام برخی از ایشان چون یزدان وفادار و خربندان و سیامردان در باب چهارم تاریخ قم دیده می‌شود، در ذهن عرب‌ها راه یابد و چنان ایشان را تحت تأثیر روح ایرانی قرار دهد که در قرن (۴هـ / ۱۰م) همگی حوادث را با تاریخ ایرانی یزدگردی معین می‌نمودند.^۲ از این گذشته، چند بار اشعریان دوشادوش توده‌های ایرانی قم علیه خلیفگان خود شوریده‌اند که برخی از آن‌ها در همان تاریخ قم ثبت شده است. از سوی دیگر، آمیزش زردشتیان آن سامان با اشعریان و موالی مسلمان شده ایشان، زردشتیان را به سوی نوعی اسلام کشانید که به جهان‌بینی گنوستیک ایرانی نزدیک‌تر شده بود. نمونه‌ای از آن زردشتیان، که به اسلام تمایل پیدا کرده، اما از مادی‌گری و خشکی واژه‌گرایانه سنیان عرب بیزار بودند و به وسیله برخی از گنوسیست‌ها مسلمان شده به خدمت امامان شیعه (ع) در مدینه راهنمایی شده به اسلام شیعی رو آورده‌اند «همام مغ» است که داستانش در رجال نجاشی (د: ۴۵۰ق / ۱۰۵۸م) و قهپایی در مجمع الرجال و مامقانی در تنقیح المقال یاد شده است، و مانند آن را در جاهای دیگر نیز می‌بینیم.^۳

^۱ معجم البلدان، یاقوت حموی (د: ۶۲۷ق)، شناسه قم.

^۲ نک: ← سرتاسر تاریخ قم (تألیف ۳۷۸ق / ۹۸۸م) به ویژه باب چهارم.

^۳ رجال نجاشی (د: ۴۵۰ق / ۱۰۵۸م)، برگه ۲۶۸؛ مجمع الرجال، رجال قهپایی، ج ۵، برگه ۱۰۲ - ۱۰۳؛ تنقیح المقال، مامقانی، حرف «م»، ج ۳، ۵۸.

با تبدیل ناآگاهانه نسبت ولاء به نسبت نژادی، کم‌کم موالی اشعریان نیز خود را عرب شمرده روز به روز بر شماره ایشان افزوده می‌گشت. تا آن جا که در روزگار تألیف تاریخ قم به شش هزار تن رسیده بودند. دعبل خزاعی شاعر در هجو مردم قم، ایشان را عجل‌هایی می‌خواند که خود را به عرب چسبانیده‌اند.^۱

عجل کلمه تحقیرآمیزی است که عرب‌های فاتح بر ایرانی‌ها اطلاق می‌نمودند.

چگونگی تصرف املاک بومیان توسط اشعریان که گاه با زور و کشتار و گاه از راه حیلت و تزویر و گاه دوستانه به وسیله ازدواج انجام می‌گرفت به صورت داستان‌هایی در تواریخ مخصوصاً تاریخ قم آمده است، و تا اواخر قرن (۴هـ / ۱۰م) هنوز یک ایرانی مسلمان شده، بیش از یک عرب خراج می‌پرداخت.^۲

اشعریان و موالی شیعی ایشان که همگی خود را عرب می‌شمردند، در عین وفاداری نسبت به تشیع همواره جانب سنت‌گرایی را مراعات می‌کردند و در صدد آشتی دادن شیعیان با دربار خلافت و نزدیک نمودن دو جهان‌بینی گنوسیزم اسلامی و تسنن اسلامی بوده، با گنوسیزم تند غلات مبارزه می‌کردند. ده‌ها رساله به عنوان «الردّ علی الغلاة» به وسیله موالی ایشان علیه گنوسیست‌های تند ایرانی نگاشته شد که برخی از آن‌ها در فهرست‌نامه‌هایی، چون ذریعه یاد شده است.^۳

ما در احوال احمد برقی و حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمان که همگی امروز از بزرگان شیعه به شمار می‌آیند و دو تن اخیر از اصحاب اجماع شیعه هستند، می‌بینیم که ایشان از طرف شیعیان سنت‌گرای اشعری قم، هر یک مدتی تحت فشار قرار گرفته بوده‌اند و گروه‌گروه از شهر قم طرد می‌شدند.

^۱ معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۴، ۱۷۶.

^۲ نک: ← تاریخ قم، برگه ۱۴۲؛ تجارب الأمم، چاپ آمدروز، ج ۲، ۱۲۷ - ۱۲۸.

^۳ الذریعة إلی تصانیف الشيعة، ج ۱۰، ۲۱۲ - ۲۱۴.

رهبران اشعری قم، مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری خود را نواده فاتحان قم می‌شمردند، و با آن که او خود از اصحاب امامان شمرده می‌شد، به گفته رجال‌شناسان با سلطان، یعنی خلیفه^۱، روابط دوستانه داشته است^۲. او نسبت به آن دسته از موالی که در گنوسیزم، تندتر از وی بودند، سخت‌گیری می‌نمود. وی نسبت به علی بن محمد شیره کاشانی^۳ و حسن بن محبوب^۴ و نسبت به یونس بن عبدالرحمان^۵ سخت‌گیری‌ها کرده است.

او احمد برقی دانشمند معروف صاحب محاسن را به عنوان غالی = گنوسیست تند، از قم اخراج نمود. کلینی یک مورد را آورده که در آن، این رییس اشعری قم، در یک مسأله مذهبی صرف نیز عرب را بر عجم ترجیح داده است^۶.

اخراج دسته‌جمعی غلات از قم

کشی در احوال حسین بن عبیدالله محرر گوید: وقتی که متهمان به غلو اخراج می‌کردند، او را نیز بیرون راندند^۷ و چون در احوال احمد حسن مادرانی فرمانروای شیعی ری می‌خوانیم که در حمله از کوتکین بر قم به سال ۲۵۱ شرکت داشته و باروی قم در این یورش ویران شده است.

^۱ گنوسیست‌های مسلمان ایرانی در سده چهارم خلیفگان بغداد را سلطان می‌نامیدند و از کار برد واژه «خلیفه» پرهیز داشتند، مبدا بوی قبول مشروعیت خلافت ایشان باشد. مسکویه در سراسر کتاب خود تجارب الأمم همین رفتار را داشته است، با این همه در علم درایة الحدیث، داشتن روابط حسنه با سلطان نیز از نظر جرح و تعدیل راویان خالی از قرح نبود (تنقیح المقال، ج ۱، ۹۲).

^۲ نک: ← رجال نجاشی، برگه ۵۹ - ۶۰؛ فهرست طوسی، برگه ۴۸ - ۴۹؛ رجال قهپایی، ج ۱، ۱۶۱ - ۱۶۵.

^۳ رجال نجاشی، برگه ۱۸۰.

^۴ رجال کشی به نقل رجال قهپایی، ج ۱، ۱۶۱ - ۱۶۲.

^۵ رجال کشی به نقل رجال قهپایی، ج ۶، ۲۹۳ - ۳۰۷.

^۶ کافی، کلینی، ج ۱، ۳۲۴.

^۷ رجال کشی به نقل رجال قهپایی، ج ۲، ۱۸۵.

و نیز نجاشی و غضایری در احوال محمد بن اورمه (سده سوم) می‌نویسند: برای گشتن او به اتهام غلو، نیمه‌شب به خانه‌اش هجوم نمودند و چون وی را در حال نماز یافته از گشتن او دست برداشتند.^۱

می‌توانیم حدس بزنیم که اختلاف میان اشعریان قم که سنت‌گرا بودند و میان غلات گاهی به خونریزی هم رسیده بوده است. کار این دو دستگی که شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد آن‌ها را تقصیر و غلو نامیده^۲، بدان جا رسید که شیعیان خاور جنوب ایران که از مرکز قدرت خلیفه دورتر می‌زیستند به تدریج در گنوسیسم کشیده شده با امام حاضر خود به نام فرقه اسماعیلیان و قمرطیان به جنگ با خلیفه برخاستند و شیعیان باختر ایران در اثر نزدیک بودن به مرکز نیاز بیش‌تر به سازش با خلافت داشتند، و پس از غیبت امام دوازدهم (ع) زیر فشار سپاهیان بغداد، ایران را رها نموده به شمال آفریقا پناه برده حکومت فاطمی را در آن جا به سال ۲۹۷ق برقرار کردند و چون نامزدی حاضر که رقیب خلیفه باشد، نداشتند، توانستند با برقراری چنین روابط دوستانه دوازده امامیان را از لیست سیاه دشمنان عباسی بیرون آورده برخی خاندان‌هایشان، مانند فرات در سال ۲۹۶ق به مقام وزارت عباسیان برسند.

^۱ رجال فہرستی، ج ۵، ۱۶۰ - ۱۶۲.

^۲ تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید (د: ۴۱۳ق)، تصحیح حزبیدی، برگه ۶۵.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

إختیار معرفة الرجال، رجال کشی؛ یا معرفة الثقلین، محمد فرزند عمر کشی (د: ۳۴۰ق)، تصحیح و تحقیق حسن مصطفوی، مقدمه‌نگاری محمد واعظزاده خراسانی دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، مشهد، ۱۳۴۸خ؛ دیگر: تحقیق و تصحیح محمدتقی فاضل میبیدی و ابوالفضل موسویان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲خ.

اشعریان قم، علی کوشا (علینقی منزوی ۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله چیستا، شماره ۱۰، سال چهارم، خرداد ۱۳۶۶. تاریخ الرسل و الأمم و الملوك، تاریخ الأمم و الملوك، تاریخ الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری املی مازندرانی، جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ق / ۸۳۹-۹۲۳م)، برگردان ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۵ جلد ۱۳۵۲خ؛ چاپ دیگر: ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۶ جلد، ۱۳۵۳خ؛ چاپ سوم، ۱۶ جلد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵خ.

تاریخ قم تاریخ قم، ابوعلی حسن بن محمد بن حسن قمی اشعری (تألیف: ۳۷۸ق / ۹۸۸م)، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، ۱۳۱۳خ.

تجارب الأمم و تعاقب الهمم، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه رازی (۳۲۰ یا ۳۲۶ - ۴۲۱ق)، برگردان علینقی منزوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶خ. تجارب الأمم، چاپ آمدرز، قاهره، مصر، ۱۹۱۴م.

تصحیح الاعتقاد، تصحیح اعتقادات الإمامیة، شیخ مفید، محمد فرزند محمد فرزند نعمان (د: ۴۱۳ق)، تصحیح حزیدایی؛ چاپ دیگر: همراه با مقدمه و تعلیقات هبة‌الدین شهرستانی، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳خ.

تتقیح المقال فی أحوال الرجال یا تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی (د: ۱۳۱۱خ)، چاپ سنگی تهران، چاپ سه جلدی، مقدمه محی‌الدین مامقانی و محمدرضا مامقانی، نجف.

الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتیب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.

رجال ابن الغضائری، کتاب کتاب الصُغفاء و کتاب الجَزَح، حسین فرزند عبیدالله فرزند ابراهیم غضائری، محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق

رجال الطوسی، الأبواب، شیخ الطائفة ابوجعفر طوسی (د: ۴۶۰ ق)، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵ ق؛ رجال الطوسی، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد فرزند حسن (د: ۴۶۰ ق)، تصحیح محمداصداق آل بحر العلوم، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م

رجال برقی، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (د: ۲۷۴ ق)، تصحیح موسوی و مقدمه جلال محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱ خ / ۱۹۶۲ م، ۶۵۵ برگه + ۶۰.

رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ ق)، اصفهان، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ ق؛ چاپ دیگر: ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ خ.

رجال کشی به نقل از مجمع الرجال قهپایی.

رجال نجاشی؛ یا فهرست أسماء مصنفي الشيعة؛ یا فهرست أسماء مصنفي الشيعة و ما ادرکناه من مصنفاتهم و ذکر طرف من کناهم و ألقابهم و منازلهم و أنسابهم و ما قيل في كل رجل منهم من مدح أو ذم، ابوالعباس احمد فرزند علی نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق)، چاپ بمبئی، ۱۳۱۷ ق.

فرهنگ جغرافیایی ایران، فرهنگ رزم آرا، حاج علی رزم آرا (۱۲۸۰ - ۱۳۲۹ خ)، ده جلد، دایره جغرافیایی ستاد ارتش شاهنشاهی ایران، تهران، ۱۳۲۸ - ۱۳۳۲ خ.

فرهنگ دهخدا، لغتنامه دهخدا، علی اکبر دهخدا (د ۱۳۳۴ خ)، چ تهران (۱۳۲۵ - ۱۳۴۶ خ) و CD.

فهرست الطوسی، شیخ الطائفة ابوجعفر محمد فرزند حسن (د: ۴۶۰ ق)، تصحیح محمداصداق آل بحر العلوم، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م.

الکامل في التاريخ، ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن. (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م)، سیزده جلد، بیروت: دار الصاد.

کتاب المحاسن، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (د: ۲۷۴ق)، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۳۰خ؛ تصحیح موسوی و محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱خ / ۱۹۶۲م، ۶۵۵ برگه + ۶۰ برگه مقدمه جلال محدث ارموی.

اللباب في تهذيب الأنساب، أبوالحسن علی فرزند ابوالکرم محمد فرزند محمد فرزند عبدالکریم فرزند عبدالواحد شیبانی جزری، عزالدین ابن اثیر (د: ۶۳۰ق)، چاپ مصر، ۱۳۵۷ق.

مجله چیستا، سال چهارم، شماره دهم، خرداد ۱۳۶۶، شماره ردیف ۴۰، برگه ۷۵۴ - ۷۵۶، اشعریان قم، علی کوشا (دکتر علینقی منزوی ۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ).

معجم البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶) شهابالدین ابوعبدالله فرزند عبدالله رومی، چاپ لایپزیک (۱۸۷۳-۱۸۶۶م) افست تهران، ۱۹۶۵م، برگردان به پارسی دکتر علینقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلدهای ترجمه شده آن.